

# تأسیس پایگاه نظامی امریکا در آذربایجان و امنیت جمهوری اسلامی ایران

## ■ چکیده

اگرچه منطقه قفقاز از دیرباز مورد توجه دولتمردان ایرانی بوده است، اما در این میان آذربایجان به خاطر موقعیت ژئوپلیتیک خاصش از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است. نویسنده در این نوشتار با تأکید بر روی روندهای جاری در این منطقه سعی در بازشناسی کانونهای امنیتی فعال در منطقه دارد و این که غفلت جمهوری اسلامی ایران از این روندها چگونه می‌تواند تأثیرات منفی‌ای را برای امنیت ملی ایران در پی داشته باشد. برای این منظور مؤلف اگر چه به پیوستگیهای فرهنگی - سیاسی و اقتصادی بین ایران و آذربایجان اشاره دارد، اما اذعان دارد که حضور قدرتهای فرامنطقه‌ای و بازیگری منافع ملی در سطح عالی، نیروی قوی‌ای را شکل داده است که می‌تواند بر ملاحظات فرهنگی اجتماعی گفته شده، فایز آید و این پدیده‌ای است که ما در طرح تأسیس پایگاه نظامی امریکا در آذربایجان با آن مواجه می‌باشیم.

این واقعیت که اگر آذربایجان به ناتو بپیوندد، تمامی مرزهای شمال ایران در محاصره ناتو درخواهد آمد و به نوعی نفوذ اسرائیل در منطقه را تقویت می‌کند، ما را وامی‌دارد تا نسبت به سیاستهای آذربایجان بیشتر حساس بوده و با دقت کامل آن را دنبال کنیم. تقویت علقه‌های بین دو کشور، در نهایت پیامدهای امنیتی مثبتی را خواهد داشت که دو کشور از آن منتفع می‌شوند.

## ■ فهرست

- الف - کلیات ..... ۶۲
- ب - مشترکات فرهنگی - مذهبی ..... ۶۳
- ج - وضعیت سیاسی و اقتصادی آذربایجان ..... ۶۳
- د - گرایشهای آمریکایی در آذربایجان ..... ۶۴
- ح - آیا آذربایجان مورد حمایت قرار خواهد گرفت؟ ..... ۶۵
- و - ملاحظات مربوط به امنیت ملی ایران ..... ۶۵

## ■ کلید واژه‌ها

- ایران .....
- آذربایجان .....
- سیاست .....
- امنیت .....
- آمریکا .....
- اسرائیل .....

## الف - کلیات

منطقه قفقاز از دیرباز مورد توجه پادشاهان ایرانی و خلفای اسلامی بوده است. این سرزمین در دورانهای پیشین تحت سیطره سلاطین ایرانی و ترک قرار داشته و مرز ایشان با امپراتوری روم شرقی به شمار می آمده است؛ بعدها مورد تاخت و تاز مغولان، محل رقابت صفویان و عثمانی، محل کشمکش ایران و روس، جایگاه منازعه میان روس و عثمانی و... قرار گرفت و به طور کلی همواره صحنه شورشهای قومی و مذهبی بوده است که ادامه این معضلات را امروز نیز در منطقه «قره باغ» شاهد هستیم. این منطقه ۵۰۰ هزار کیلومتر مربعی که در حد فاصل اروپا و آسیا واقع شده، مرز میان تمدن اسلامی و تمدن مسیحی و سه فرهنگ روس، ترک و فارس است. این منطقه با جمعیتی در حدود ۳۰ میلیون نفر، ۲۴ قوم و ۵۰ زبان را در خود جای داده است. چهار دین مسیحیت، بودا، اسلام و یهود پیروانی در این منطقه دارند. تقسیمات سیاسی این منطقه نیز از ویژگی یگانه‌ای برخوردار است. جمهوری آذربایجان خود از دو جمهوری خودمختار نخجوان و قره باغ تشکیل شده است؛ جمهوری گرجستان نیز به چندین جمهوری نظیر چچنستان، داغستان، کالیکستان و... تقسیم گشته است.

در این میان، آذربایجان از موقعیت ژئوپلیتیکی شایسته توجهی برخوردار است؛ این کشور که در همسایگی ایران، ترکیه<sup>۱</sup> و روسیه قرار دارد، ضمناً در مجاورت دو جمهوری مسلمان و ترک نشین روسیه (یعنی چچن و داغستان و نیز مسلمانان ساکن در کناره‌های رود ولگا) و نیز جمهوری ارمنستان قرار گرفته است.

۱- فقط نخجوان با ترکیه هم مرز است.

## ب - مشترکات فرهنگی - مذهبی

منطقه آذربایجان تا پیش از عهدنامه‌های ترکمانچای و گلستان جزء ایران بوده است. اشتراکات تاریخی با سرزمین مادری موجب شده است که مشارکتهای تمدنی میان این دو کشور همچنان به قوت خود باقی بماند. ۱۰۵ سال حاکمیت تزارها و ۷۸ سال حاکمیت کمونیستها هیچ یک نتوانست فرهنگ ارتدوکسی و یا ایدئولوژی کمونیستی را جایگزین تفکر اسلامی در این منطقه نماید. ادبیات سوزناک «جدایی» (آیرلیق) که شاعرانی همچون الماس ایلدیرم، اسماعیل حکمت، حسین جاوید، صمد ورقون، سلیمان رستم، داداش آذراوغلو، بختیار نقابزاده، علی توده، حبیب زارع، سمند قراچورلو، محمد آراز و مرحوم شهریار پدید آوردند، در سوگ جدایی از ایران اشعار بسیار زیبایی راد خود دارد.

علیرغم جدایی آذربایجان از ایران، تحولات این دو کشور - طی قرن بیستم - بر دیگری نیز تأثیر بسزایی داشته است؛ برای نمونه می‌توان به رویداد نهضت مشروطیت در ایران، انقلابهای اجتماعی و سیاسی در قفقاز، شورشهای ارمنیان قفقاز، تشکیل نظام خودمختار آذربایجان پس از جنگ جهانی اول، تشکیل جمهوری خودمختار آذربایجان در ایران، وقوع انقلاب اسلامی در ایران، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، وقوع بحران قره‌باغ و... اشاره کرد.

نباید از یاد برد که آذربایجان دومین کشور شیعه جهان است. اگرچه در قانون اساسی جمهوری آذربایجان، حکومت آن غیردینی نامیده شده است، اما ۹۰٪ آذربایجانیها مسلمان و از این میان حدود ۷۰٪ شیعه می‌باشند. جمهوری آذربایجان ۸ میلیون نفر جمعیت دارد که قریب ۸۷٪ آنان ترک‌زبان هستند. آذربایجانیها با میلیونها آذربایجانی ایرانی رابطه خویشاوندی دارند و همین امر موجب شده است که این کشور به میدان رقابت میان ایران و ترکیه تبدیل شود. هرگونه سستی و یا باخت آشکار ایران در این رقابت، می‌تواند لطمات جبران‌ناپذیری بر امنیت ملی ما وارد سازد.

## ج - وضعیت سیاسی و اقتصادی آذربایجان

در حال حاضر، نوعی منازعه قومی - مذهبی در منطقه قره‌باغ آذربایجان و میان ارمنیان ارتدوکس و مسلمانان شیعه در جریان است که تأثیرات آن را می‌توان بر روی ترکها و ارمنیهای ایران نیز دید. از سوی دیگر، تلاشهای ایران جهت پراکندن فرهنگ

اسلامی و شیعه‌گری در منطقه قفقاز، تنها از طریق آذربایجان امکان‌پذیر است. از نظر اقتصادی نیز آذربایجان از پتانسیل‌های اقتصادی خوبی نظیر نفت، برخوردار است؛ در این میان عبور خط لوله‌های گاز و نفت آذربایجان از ایران، می‌تواند کشور ما را به شاهراه خطوط لوله نفت حوزه دریای خزر تبدیل کند.

### د- گرایشهای آمریکایی در آذربایجان

تضمین استقلال آذربایجان می‌تواند مانع از ادامه حیات امپراتوری روسها - چه در غالب کمونیستی و یا به صورت ناسیونالیستی - گردد. از سوی دیگر، همسایگی ایران با آذربایجان و تبلیغ تفکرات شیعی و اسلامی در آذربایجان و قفقاز می‌تواند مشکلات فراوانی را برای آمریکا فراهم آورد. اگر آذربایجان پذیرای تفکرات اسلامی باشد، این تفکرات به راحتی در میان مناطقی همچون داغستان، چچن، تاتارستان و... که مسلسل‌وار در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، رواج خواهد یافت. تلاش آمریکا برای حضور در خزر و جلوگیری از عبور خطوط لوله نفت از ایران، از دیگر علل تمایل به حضور آمریکا در آذربایجان می‌باشد. از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری ۷۳ میلیاردی در زمینه‌های مختلف - به خصوص نفت و گاز آذربایجان - موجب شده است که آمریکا خواهان محافظت از سرمایه‌های خود در این کشور باشد. تلاش جهت بهره‌مندی هر چه بیشتر از منابع انرژی حوزه دریای خزر و در صورت امکان، جانشین‌سازی آن به جای خلیج فارس، از دیگر اهداف آمریکا در این منطقه می‌باشد و سرانجام آن که، حضور لابی قدرتمند ارمنیها در کنگره آمریکا موجب شده است که بحران قره‌باغ از اهمیت ویژه‌ای برای ایالات متحده برخوردار باشد. جالب آن است که آذربایجان نیز، خود سعی در جلب حمایت آمریکا در بحران قره‌باغ دارد. علی‌بار صفوی یکی از وزیران سابق آذربایجان می‌گوید:

«دریافت جنگ‌افزارهای پیشرفته روسی به ارزش میلیاردها دلار به دست ارمنستان، خواه ناخواه آذربایجان را بر آن می‌دارد که با توجه به تهدید تمامیت ارضی خود، سعی در تقویت قدرت خود در منطقه بنماید.»

کارنیک باقالیان، یکی از سیاستمداران آذربایجانی نیز در این زمینه گفته است:

«ایجاد پایگاه نظامی آمریکا در آذربایجان، تلاش این کشور برای تحت فشار قرار دادن ایران، روسیه و به ویژه ارمنستان است.»

در این میان، آذربایجان سعی دارد تا با ایجاد یک جنگ روانی در برابر ایران، ارمنستان و روسیه، راههای تقویت موضع خود در قبال بحران قره‌باغ را بیازماید. استقرار پایگاههای روسی در ارمنستان نیز در شکل‌گیری چنین خط مشی بی‌تأثیر نبوده است. از نظر اقتصادی نیز آذربایجان سعی در تشویق سرمایه‌گذاران غربی برای تداوم سرمایه‌گذاری در این کشور دارد. و سرانجام آن که، برخی معتقدند که حیدر علی‌اف به این ترتیب قصد دارد تا زمینه را برای ریاست جمهوری فرزندش الهام علی‌اف فراهم آورد.

### ح - آیا آذربایجان مورد حمایت قرار خواهد گرفت؟

سیاستهای ضدروسی، همواره در رأس برنامه‌های رؤسای جمهوری آذربایجان قرار داشته و این امر تشویق آمریکا را نیز در پی داشته است. آذربایجان همچنین کوشیده است تا در جریان بحران چین، نقش پلی ارتباطی میان این منطقه و دنیای غرب را ایفا کند. این کشور همچنین با شرکت در مانور دریایی اسرائیل و ترکیه در آبهای مدیترانه، سعی در نزدیک‌سازی خود به متحدان ایالات متحده در منطقه دارد؛ این همه سبب شده است که آذربایجان مورد توجه ایالات متحده قرار گیرد.

با این همه، احتمال حضور همه جانبه آمریکا در این منطقه بعید به نظر می‌رسد. هیچ تهدید جدی در برابر منافع آمریکا در منطقه وجود ندارد. روسها نیز آذربایجان را حیاط خلوت خود می‌دانند و اهمیت آذربایجان برای روسها همچون اهمیت کوبا برای آمریکاست. تلاشهای آمریکا برای بهبود روابط با ایران نیز با سیاست تأسیس پایگاههای نظامی در آذربایجان در تضاد می‌باشد. از سوی دیگر، علیرغم تلاشهای پیگیر آذربایجان برای ورود آمریکا به بحران قره‌باغ، ایالات متحده به هیچ‌وجه قصد آن را ندارد که ارمنیها را تا بدان پایه از خود برنجانند که موجب تسلیم کامل آنها در برابر روسها شود. در این میان، تقویت آذربایجان و ورود این کشور به ناتو می‌تواند منجر به گسترش پان‌ترکیسم و به دنبال آن، تشدید تحرکات پان‌ارمنیستی و پان‌کردیسم در منطقه گردد.

### و - ملاحظات مربوط به امنیت ملی ایران

اگر آذربایجان به ناتو بپیوندد، تمامی مرزهای شمال غربی ایران در محاصره ناتو درخواهد آمد و زمینه برای حضور هر چه بیشتر اسرائیل - بزرگترین دشمن ایران - فراهم

خواهد شد. این امر همچنین گسترش هر چه بیشتر اندیشه‌های لیبرالیستی و لائیک در منطقه را در پی خواهد آورد. حضور آمریکا در این کشور موجب خواهد شد که کشورهای نفت خیز آسیای مرکزی بیش از پیش تحت فشار قرار گیرند و مجبور به موافقت خط لوله باکو - جیحان - که صرفه اقتصادی چندانی ندارد - شوند.

جمهوری اسلامی ایران باید در دو بعد داخلی و خارجی مانع از تقویت این شکل بندیها شود. در بعد خارجی، کمک به حل هر چه سریعتر بحران قره باغ، همکاری با روسها برای مخالفت با حضور پایگاههای آمریکایی در آذربایجان، حفظ تعادل در روابط با دولت ارمنستان، جلوگیری از افزایش تنش با آمریکا، تأکید بر پیوندهای دیرینه میان ایران و آذربایجان و تقویت دستگاههای تبلیغاتی برون مرزی از جمله اموری هستند که می‌توانند نقش کارآمد در حفظ تعادل سیاسی منطقه ایفا کنند.

در بعد داخلی نیز انجام دادن اقداماتی نظیر تأکید بر محوریت اسلام، تأکید بر بازگشت قفقاز به ایران (در صورت گسترش پان آذربایجان‌یسم)، جلوگیری از اقدامهای تحریک آمیز رسانه‌های گروهی، بهبود وضعیت اقتصادی استانهای آذری نشین و... می‌تواند در حفظ امنیت ملی، نقش مؤثری ایفا کند.